



حقوق کارگران در ایران

بنیاد رسانه‌ای زمانه

شماره یک: ژوئن و ژوئیه ۲۰۱۸

کاری از



مقدمه

نقض حقوق کارگران در ایران به شکل روزانه رخ می‌دهد، بدون آنکه نهاد یا فردی نسبت به آن پاسخگو باشد. فعالان حقوق کارگران در ایران برای اعتراض به این نقض حقوق انسانی و صنفی، سرکوب می‌شوند. گروه‌های حامی حقوق کارگران در سطح بین‌المللی اطلاعات زیادی از داخل ایران به دست نمی‌آورند تا پرونده‌های مرتبط به حقوق کارگران ایران را در عرصه بین‌المللی مطرح کنند. بنابراین، بنیاد زمانه، تصمیم گرفته تا تحولات مرتبط با حقوق کارگران در ایران را در این دوماهنامه، هم به زبان فارسی و هم به زبان انگلیسی منتشر کند. این دوماهانه وضعیت حقوق و قوانین کار در ایران را برای توسعه ارتباطها بین کارگران ایران با اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های حقوق بشری در سطحی بین‌المللی به اشتراک می‌گذارد. هدف این است که از این دانش به‌منظور بیشتر مطرح شدن وضعیت کارگران ایرانی و ایجاد فشار عمومی برای پذیرش و اجرای معاهدات بین‌المللی شناخته شده مربوط به حقوق کار در ایران، استفاده شود.

زمانه هفت زمینه کلیدی را در مورد حقوق کارگران ایران شناسایی کرده که این دوماهنامه‌ها بر اساس آنها اولویت‌بندی می‌شوند: امنیت و سلامت در محل کار؛ تبعیض‌ها در محل کار؛ قانون کار؛ زنان در نیروی کار؛ کودکان کار؛ مسائل قراردادی، بیکاری، و تعویق و یا نپرداختن دستمزدها؛ و آزادی ایجاد تشکلهای، سندیکاها و اتحادیه. زمانه به شکل روزانه اخبار کارگری در ایران را گزارش می‌کند. این دوماهنامه‌ها در نظر دارند که یک "تصویر بزرگ‌تر" ارائه کنند تا دانش و آگاهی در مورد وضعیت کارگران در ایران افزایش یابد. گزارش پیش رو مخصوص ماه‌های ژوئن و ژوئیه ۲۰۱۸ است.

فهرست مطالب

- ۴ حداقل دستمزد کارگران، رقمی زیر خط فقر، همزمان با سقوط آزاد ارزش ریال
- ۵ مطالبات معوق مزدی، عدم امنیت شغلی و اعتراضات کارگری
- ۶ بخش حمل و نقل: رانندگان کامیون دست به اعتصاب گسترده زدند
- ۸ نفت، معدن و پتروشیمی
- ۹ ساخت و ساز و توسعه زیربنایی
- ۹ کشاورزی و صنایع غذایی
- ۱۰ خدمات شهری و معلمان
- ۱۱ سرکوب اتحادیه‌های کارگری: سه عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان در زندان به سر می‌برند
- ۱۳ کودکان کار: بهره‌کشی شرکت‌های پیمانکاری طرف قرارداد شهرداری از کودکان در مراکز بازیافت زباله
- ۱۵ حوادث کار: هر روز ۶ کارگر برای کار از خانه خارج می‌شوند، اما باز نمی‌گردند

حداقل دستمزد کارگران، رقمی زیر خط فقر، همزمان با سقوط آزاد ارزش ریال

جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولتی متعهد به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) از افزایش دستمزد کارگران به میزان کافی برای تأمین یک زندگی آبرومند در سال ۲۰۱۸ سر باز زده است. این مسأله به ویژه با توجه به سقوط ادامه‌دار ارزش ریال در دو ماه اخیر زندگی را برای کارگران بسیار دشوار کرده است.

بر اساس قانون کار ایران، دستمزد کارگران در نشست مشترک نمایندگان کارگری، نمایندگان کارفرمایی و دولت در شورای عالی کار، در پایان هر سال برای سال بعد، تعیین می‌شود. نمایندگان کارگری حاضر در شورای عالی کار از اعضای نهادهای کارگری وابسته به دولت انتخاب می‌شوند.

اسفند ماه سال گذشته، همزمان با نشست شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد، تشکلهای کارگری مستقل در ایران خواستار تعیین حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان شده بودند.

کمیته مزد شورای عالی کار که از اعضای تشکلهای همسو با دولت مانند خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار تشکیل شده سبد معیشت حداقل زندگی یک خانوار را ۲ میلیون و ۶۶۹ هزار و ۸۰۰ تومان برآورد کرد.

شورای عالی کار اما در روندی طولانی و فرسایشی حداقل دستمزد کارگران در سال جاری را ۱۱۶ هزار تومان (یک میلیون و ۱۱۴ هزار و ۱۴۰ تومان) تعیین کرد. رقمی بسیار پایین‌تر از نصف خط فقر برآوردشده توسط نهادهای غیردولتی در اسفند ماه سال گذشته.

کارگرانی که مشمول مقررات قانون کار نیستند (از جمله کارگران کارگاه‌های زیر ۱۰ نفره، کارگران با قراردادهای موسوم به «قرارداد سفیدامضا»، و مشخصاً کارگران مهاجر افغانستانی) حتی از دریافت این دستمزد حداقلی نیز محروم اند.

به طور کلی، براساس ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی نرخ تورم رسمی و تأمین حداقل معیشت زندگی آبرومندانه دو معیار تعیین حداقل دستمزد سالانه است. دولت اما از پذیرش معیار سبد معیشت به دلیل «مشکلات تولید» و «وضعیت اقتصادی» خودداری می‌کند.

در ابتدای تیر ماه، علی‌حدایی رئیس کانون شوراهاى اسلامی و عضو کارگری شورای عالی کار خبر از بازنگری حداقل دستمزد در شورای عالی کار داد. این اتفاق هنوز صورت نپذیرفته است.

همزمان با افزایش تورم و قیمت‌ها از ابتدای سال، اعضای تشکلهای کارگری همسو با دولت، از کاهش ۵۰ درصدی قدرت خرید کارگران سخن گفته‌اند. سندیکاهای مستقل کارگری، که نماینده‌ای در شورای عالی کار ندارند، نسبت به غیاب نمایندگان «واقعی» کارگران و حقوق‌بگیران در مذاکرات و تصمیم‌گیری مربوط به مزد اعتراض دارند.

مطالبات معوق مزدی، عدم امنیت شغلی و اعتراضات کارگری

در دو ماه اخیر، کارگران راه آهن در بیش از ۲۰ شهر و رانندگان کامیون در بیش از ۸۰ شهر دست به اعتصاب زدند؛ علاوه بر کارگران بخش حمل و نقل، هر هفته بیش از دهها اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگری برپا می شود که موضوع محوری اغلب آنها پرداخت دستمزد و عدم امنیت شغلی است.

وضعیت در کارخانه ها ملتهب است. تولید در بسیاری از کارخانه ها متوقف شده، و پرداخت مطالبات مزدی ماههاست به تأخیر افتاده است.^۱ بسیاری از بیمارستان ها به دلیل تعویق پرداخت بدهکاری سازمان تأمین اجتماعی، از دادن خدمات بهداشتی و درمانی به کارگران تحت پوشش بیمه درمانی سازمان تأمین اجتماعی خودداری می کنند. شمار زیادی از کارگران نیز بیکار شده اند، و موج اخراج کارگران بدون پرداخت حقوق معوقه آنها ادامه دارد.

تبعات بحران اقتصادی کارخانه ها و شرکت ها دامن بازنشسته ها را نیز گرفته و پرداخت مطالبات مزدی آنها به تأخیر افتاده است؛ در حالی که سالخوردگان از دریافت حقوق بازنشستگی خود مطمئن نیستند، جوانان با مشکل بیکاری روبرویند. ۲۴ تیر، جمعی از جوانان شهر هویزه در اعتراض به بیکاری مقابل فرمانداری تجمع کردند. جدول زیر حاوی اطلاعات شماری از اعتراضات کارگری در بخش «تولید صنعتی» در دو ماه گذشته است:

بخش	زمان	نام کارخانه	نوع و مدت اعتراض	موضوع اعتراض	تعداد متعرضان	کل کارگران	محل
تولید	۲۷ خرداد	کاشی الماس کویر یزد	تجمع در برابر شهرداری و قضاوت / یک روز	شش ماه عدم پرداخت و مزایا و حق بیمه	+۱۰۰	+۴۰۰	یزد
تولید	۳ تیر	ماشین سازی تبریز	دست کشیدن از کار و تجمع در محل کار / ادامه دارد	عدم پرداخت و تعویق مطالبات مزدی برای ماهها	+۲۰۰	۸۰۰	تبریز
تولید	۱۰ تیر	شرکت تولید مواد شیمیایی تولی پرس شرکت بسته بندی البرز قزوین	کارگران این دو کارخانه در جلوی شهرداری و همین طور در مقابل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان البرز / یک روز	بیش از ۵۰۰ کارگر بدون دریافت مطالبات مزدی بیکار شدند	۵۰۰	نامعلوم	قزوین، استان البرز
تولید	۱۶ تیر	کیش چوب	شکایت به اداره کار و خدمات اشتغال منطقه کیش	اخراج ۷۰ کارگر تعویق پرداخت حقوق ۱۲۰ کارگر به مدت بیش از ۶ ماه دست کشیدن	بیش از ۱۲۰ کارگر از کار دست کشیدند	+۴۰۰	جزیره کیش
تولید	۱۸ تا ۲۱ تیر	کاشی الماس کویر یزد	تجمع مقابل داگستری یزد / تظاهرات در خیابان های یزد / چهار روز	عدم پرداخت شش ماه مطالبات مزدی	+۱۰۰	+۴۰۰	یزد

۱. تعویق پرداخت دستمزد کارگران کارخانه سامان کاشی بوجود، برای مثال، به ۴۴ ماه رسیده است.

بخش حمل و نقل: رانندگان کامیون دست به اعتصاب گسترده زدند

از ۲۵ تیر ماه، کارگران شرکت راه آهن جمهوری اسلامی، و شرکت‌های وابسته به آن دور جدیدی از اعتصابات را با فراخوان شوراها و کارگران راه آهن آغاز کردند. کارگران راه آهن نسبت به تعویق سه ماهه دستمزدها، عدم پرداخت حق بیمه و سنوات و همچنین نبود امنیت شغلی معترض اند که با خصوصی سازی شرکت راه آهن تشدید شده است.



اعتصاب رانندگان کامیون

در طول بیست سال گذشته، راه آهن جمهوری اسلامی رفته رفته خصوصی شده است و امروز اغلب کارگران از طریق شرکت‌های پیمانکاری و با قراردادهای کوتاه مدت به کار گماشته می‌شوند. این شرکت‌های پیمانکاری مقید به قوانین کار ایران در خصوص دستمزد، بیمه، سنوات و مزایا نیستند و عملاً به تعهدات خود در قبال کارگرها پایبندی ندارند.

۲۵ تیر، کارگران راه آهن حوزه زاگرس تحت قرارداد با شرکت پیمانکاری «تراورس» دست از کار کشیدند. دو روز بعد، کارگران راه آهن تبریز، سلماس، و صوفیان تحت قرارداد با شرکت پیمانکاری «گسترش راه آهن» نیز اعتصاب کردند. سوم مرداد، کارگران راه آهن زنجان، سمنان، اسلامشهر، شاهرود و دامغان به اعتصاب کارگران آذربایجان و زاگرس پیوستند. و روند گسترش اعتصاب در روزهای بعد ادامه یافت. در ادامه اعتصاب، چهارم مرداد، کارگران راه آهن دورود مسیر عبور قطارها را مسدود کردند و کارگران راه آهن زاگرس در اندیشک نیز مقابل فرمانداری تجمع کردند. کارگران راه آهن در خرداد ماه نیز در یازده ناحیه اعتصاب کرده بودند.

قرار است با خارج کردن حدود ۴۰۰ واگن فرسوده از ناوگان حمل و نقل ایران، سه هزار تن از کارکنان راه آهن سراسری به زودی اخراج شوند. این امر به اعتراض و فراخوان اعتصاب مهمانداران و کارگران تعمیرکار قطار منجر شده است.

همزمان با کارگران راه آهن، رانندگان کامیون و حمل و نقل جاده‌ای از اول مرداد در اعتراض به عدم توجه به مطالبات صنفی خود اعتصاب سراسری را از سر گرفتند. رانندگان کامیون پیش‌تر نیز در هفته اول خرداد ماه امسال در اعتراض به افزایش هزینه‌ها و ثابت ماندن

کرایه بار، بالا بودن تعرفه‌های جاده‌ای، قطع یارانه بیمه رانندگان و دیگر مشکلات صنفی اعتصاب کرده بودند که این اعتصاب یک هفته‌ای به دستگیری ۱۷ راننده کامیون منجر شده بود. دور تازه اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و حمل و نقل جاده‌ای در پی آن آغاز شد که وعده‌های نمایندگان مجلس، رئیس سازمان تأمین اجتماعی، و نمایندگان دولت به رانندگان نتیجه عملی در بر نداشت. پاسخ مسئولان به دور جدید اعتصاب‌ها وعده و توأمان تهدید و سرکوب بوده است. چهارم مرداد در کرمانشاه مأموران اطلاعاتی و انتظامی پلاک کامیون برخی اعتصاب‌کنندگان را کردند. چهارم مرداد کانال اطلاع‌رسانی رانندگان کامیون و حمل و نقل جاده‌ای خبر داد ۸۵ شهر در ۲۵ استان به اعتصاب پیوسته‌اند.

در دو ماه گذشته همچنین، رانندگان اتوبوس درون شهری اصفهان (۱۳ تیرماه) در اعتراض به عدم پرداخت حق بیمه، واحد نقلیه نیشکر حکیم فارابی (۱۲ و ۱۳ تیرماه) در اعتراض به عدم افزایش حقوق و کاهش مزایای شغلی، رانندگان اتوبوس بخش خصوصی واحد اتوبوس‌رانی تهران در اعتراض به نحوه واگذاری اتوبوس‌ها (۱۶ تیر)، و رانندگان تاکسی اینترنتی ماکسیم کرمانشاه در اعتراض به کاهش ۳۰ درصدی دستمزد دست به اعتصاب زدند.

نفت، معدن و پتروشیمی

شرکت‌های دولتی نفت و بخش پتروشیمی در پرداخت دستمزد کارگران دچار مشکل شده‌اند. این مشکل به ویژه زندگی کارگران محلی غیر ماهری را تحت تأثیر قرار داده که با قراردادهای کوتاه مدت در استخدام شرکت‌های پیمانکاری اند. پرداخت حقوق آنها ماه‌ها به تعویق افتاده، و شماری از آنها نیز از کار اخراج شده‌اند. بخش عمده این کارگران را ساکنان محلی جنوب ایران تشکیل می‌دهند، جایی که صنایع نفتی در آنجا متمرکز است.

کارگران معدن نیز با مشکلات مشابهی روبرو هستند. مزایای حقوقی بیش از ۷۰۰ کارگر شاغل در معدن زغال سنگ البرز شرقی از سه ماه پیش قطع شده است. ۲۵ تیر، کارگران پیمانی معدن چادرملو در اعتراض به عدم اجرای تعهدات کارفرما برای پرداخت مطالبات معوقه مقابل معدن تجمع کردند.

در بخش انرژی، همچنین باید به اعتصاب کارگران پیمانی نیروگاه سیکل ترکیبی کاشان، (در اعتراض به تعویق ۴ ماهه دستمزدها) و کارگران سد پلاستیکی تالش در ۲۷ تیر ماه اشاره کرد.

بخش	تاریخ	کارفرما	نوع اعتراض	موضوع اعتراض	تعداد معترضان	کل کارگران	محل
صنایع نفتی و انرژی	۲۰ تیر	پالایشگاه گاز کنگان	کارکنان بیکار شده بخش نگهداری حراست فاز ۱۹ پارس جنوبی در های پالایشگاه را بستند	اخراج کارکنان	۲۰	۱۱۰۰۰ در پارس جنوبی و ۴۰۰ در پالایشگاه کنگان	میدان پارس جنوبی / کنگان / استان بوشهر
صنایع نفتی و انرژی	۱۰ تیر	شرکت ملی حفاری	دست کشیدن از کار و تجمع در محل کار	حقوق معوقه بیش از دو ماه	نامعلوم	۱۷۰۰۰	اهواز / استان خوزستان
صنایع نفتی و انرژی	۱۳ تیر	مجتمع پتروشیمی گچساران	تجمع مقابل ساختمان مدیریت	عدم پرداخت دستمزد بیش از ۸۰ کارگر پیمانی	+۶۰	۱۷۰۰	گچساران، بهبهان
صنایع نفتی و انرژی	۱۷ تیر	مجتمع پتروشیمی گچساران	تجمع مقابل فرمانداری گچساران	عدم پرداخت دستمزد بیش از ۸۰ کارگر پیمانی	+۷۰	۱۷۰۰	گچساران، بهبهان
صنایع نفتی و انرژی	سوم مرداد / به مدت پنج روز	مجتمع پتروشیمی ماهشهر	تجمع در مقابل ساختمان اصلی	تعویق مطالبات و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل	+۲۴۰	۳۰۰۰	بندر امام، ماهشهر

ساخت و ساز و توسعه زیربنایی

همچون کارگران شاغل در بخش انرژی، کارگران ساختمانی، پروژه‌های عمرانی و راه‌سازی نیز نسبت به تعویق پرداخت دستمزدهایشان معترض اند. کارگران شرکت «رامان» (پیمانکار پروژه راه‌سازی بروجرد به اراک) شش ماه است حقوق نگرفته‌اند.

کارگران پیمانی فاز هشت شهر جدید پردیس (۱۷ کیلومتری شمال تهران) نسبت به تعویق مطالبات خود در فاصله ۱۲تیر تا دوم مرداد در چند نوبت دست به اعتراض زدند.

۱۶تیر، کارگران شرکت پیمانکاری خمش (مسئول ساخت و ساز کانال انتقال و آبرسانی خداآفرین) به دلیل عدم پرداخت دستمزدهایشان در برابر محوطه این شرکت در شهرستان خداآفرین آذربایجان شرقی تجمع کردند.

سوم مرداد نیز، کارگران پروژه ساختمانی مجتمع تجاری باندا آبیدر واقع در سنندج در اعتراض به تعویق شش ماه مزدها تجمع کردند.

بیشتر شرکت‌ها در این بخش، طرف قرارداد دولت اند و با توجه به اینکه دولت به تعهدات مالی‌اش در قبال این شرکت‌ها عمل نمی‌کند، در نتیجه خود را در عدم پرداخت حقوق کارگران مقصر نمی‌دانند.

کشاورزی و صنایع غذایی

خصوصی سازی بسیاری از شرکت‌های تولید مواد غذایی موجب اخراج و تعدیل کارگران و عدم پرداخت دستمزدها شده است.

شرکت نیشکر هفت‌تپه در این بخش، یکی از کانون‌های اصلی اعتراضات و فعالیت صنفی کارگران ایران است. از زمستان سال گذشته، کارگران و بازنشستگان این شرکت به طور مداوم دست به فعالیت‌های اعتراضی زده‌اند.



اعتراضات کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه

۱۸ تیر، بیش از صد کارگر نیبر شرکت نیشکر هفت‌تپه به دلیل عدم امنیت شغلی، بلاتکلیفی، عدم پرداخت دستمزد، ادامه فشار امنیتی، احضار و تهدید کارگران به اخراج، اعتصاب کردند. اعتصاب آنها همچنان ادامه دارد.

در تیر ماه همچنین، جمعی از کارگران بازنشسته نیشکر هفت‌تپه به دلیل عدم دریافت مطالبات سنواتی تجمع اعتراضی برپا کردند. رانندگان خودروهای استیجاری این شرکت نیز یک روز دست به اعتصاب زدند. بیش از ۵۰ راننده وانت‌بار، مینی‌بوس، اتوبوس، تریلی و لودر که مسئولیت جابجایی حمل بار و کارگران را در بین مزارع کشاورزی نیشکر هفت‌تپه به عهده دارند، هفت ماه است که مزد نگرفته‌اند.

خدمات شهری و معلمان

در تیر ماه، کارگران شهرداری‌های کرج، یاسوج، اصفهان، مریوان، اهواز، آبادان مقابل شهرداری‌ها تجمع اعتراضی برپا کردند.

کارگران پیمانی شهرداری الوند و کارگران فضای سبز منطقه ۱۱ کرج، به مدت ۳ ماه، کارگران شهرداری بندر امام و کارگران پیمانی آب و فاضلاب روستایی استان خوزستان، به مدت ۵ ماه و کارگران شهرداری مریوان به مدت نه ماه است که حقوق نگرفته‌اند.

۲۱ تیر، ۷ کارگر پیمانی شهرداری کامیاران به رغم داشتن قرارداد کار اخراج شدند، و به همین ترتیب، یک مرداد، ۵۲ کارگر باسابقه شهرداری لامرد در استان فارس بدون پرداخت مطالبات مزدی‌شان از کار برکنار شدند.



اعتراضات معلمان اهواز

از اواسط تیر ماه، معلمان ایران نیز در اعتراض به عدم اعمال افزایش ۲۰ درصدی حقوق و دستمزد کارکنان دولت (به رغم تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان) و کاهش قدرت خرید، در حرکتی خودجوش کمپین «نه به فیش‌های حقوقی» را به راه انداخته‌اند.

تصاویر منتشرشده، معلمان معترض با بیان جمله «این فیش حقوقی سهم من نیست»، فیش‌های حقوقی خود را پاره می‌کنند و یا آتش می‌زنند.

این تنها شیوه اعتراض معلمان در طول یک ماه گذشته نبود.

سوم و چهارم تیر، معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در اعتراض به عدم امنیت شغلی مقابل مجلس تجمع کردند.

۲۳ تیر، گروهی از مدیران دبیرستان‌های خمینی‌شهر در اعتراض به حذف مزایای حقوقی معلمان استعفا دادند.

۲۴ تیر، گروهی از معلمان شیراز مقابل ساختمان آموزش و پرورش این شهر دست به تجمع زدند.

معلمان ایران اردیبهشت امسال نیز مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع برگزار کردند. در جریان این تجمع تعدادی از اعضای کانون صنفی معلمان بازداشت شدند.

همزمان با بالا گرفتن کمپین «نه به فیش‌های حقوقی» معلمان، از یکم مرداد کارکنان بیمارستان خمینی کرج با خواست پرداخت مطالبات معوقه وارد اعتصاب شده‌اند.

سرکوب اتحادیه‌های کارگری: سه عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان در زندان به سر می‌برند

دولت در ایران فعالیت سندیکاها را مستقل کارگری را تحمل نمی‌کند؛ صراحتاً از به رسمیت شناختن حق اعتصاب و اعتراض کارگران سر باز می‌زند، و در عمل اعتراض‌های کارگری را با خشونت سرکوب می‌کند.

در دو ماه گذشته تمام اعتراضات کارگری یا از طریق خشونت و یا از طریق دستگیری و بازداشت سرکوب شدند.

در ۲۱ خرداد، پلیس ضد شورش به تجمع اعتراضی کارگران گروه صنعتی ملی فولاد ایران در اهواز حمله کرد. ۶۰ کارگر معترض در روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد دستگیر و به بازداشتگاه مواد مخدر اهواز منتقل شدند. دلیل تجمع‌های کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران تعویق ۳ ماهه پرداخت مطالبات مزدی بود. اکثر کارگران با قید وثیقه آزاد شدند، اما دستکم ۱۰ نفر از آنها برای بیش از یک هفته در بازداشت ماندند. هشت نفر از آنها با شکایت مستقیم نمایندگان اهواز به اخلال در نظم عمومی و تخریب اموال عمومی متهم شدند. با وجود دستگیری‌ها و اتهام‌ها، اعتراض کارگران در روزهای بعد نیز ادامه یافت. پیش از تجمع اعتراضی ۲۱ خرداد، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران به مدت ۲۰ روز اعتصاب کرده بودند.

در ادامه برخورد با فعالان صنفی، ۱۰ تیر ماه، روح‌الله مردانی، معلم و دانشجوی دانشگاه تهران که به دلیل شرکت در اعتراضات سراسری دی ماه از ۲۸ بهمن ۹۶ در زندان اوین در بازداشت به سر می‌برد، به شش سال حبس محکوم شد. یک روز پس از آن، در ۱۱ تیر ماه، خلیل کریمی فعال کارگری سنندج برای بازپرسی در ارتباط با شرکت در مراسم روز جهانی کارگر و همچنین شرکت در کمپین اعتراض به حکم اعدام رامین حسین‌پناهی، به دادگاه

انقلاب سندج احضار و موقتاً با قید وثیقه آزاد شد.

«حق ایجاد سندیکاها و تشکلات مستقل برای کارگران»، «توقف اخراج و تعقیب پلیسی-امنیتی-قضایی کارگران، معلمان و دیگر فعالان صنفی» و «آزادی اعتصاب، راه‌پیمایی، اعتراض، گردهمایی، عقیده و بیان» از جمله مطالبه‌های اصلی بیانیه مشترکی بود که سندیکاهای مستقل کارگری ایران به مناسبت اول ماه مه منتشر کردند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه که در سال ۲۰۰۵ بازسازی شد و از پیشگامان فعالیت مستقل سندیکایی-کارگری در جمهوری اسلامی است یکی از سندیکاهای امضاکننده این بیانیه است.

در خرداد ماه ۱۳۹۷ دو تن از اعضای هیأت مدیره این سندیکا، رضا شهابی و داوود رضوی به همراه لقمان ویسی عضو انجمن صنفی معلمان کردستان-مریوان برای حضور در صد و هفتمین اجلاس سازمان جهانی کار (ILO) و دیدار و گفتگو با نمایندگان تشکل‌های کارگری اروپایی به این قاره سفر کردند. چهارشنبه ۱۳ تیر به هنگام بازگشت به ایران، رضا شهابی و داوود رضوی برای مدت کوتاهی در فرودگاه بازداشت شدند. مأموران امنیتی همچنین پاسپورت داوود رضوی را توقیف کردند.

این اولین برخورد امنیتی با شهابی و رضوی نیست. داوود رضوی، با حکم ۵ سال حبس، در انتظار دادگاه تجدید نظر به سر می‌برد. رضا شهابی نیز به طور مستمر از سال ۸۴ تاکنون به خاطر فعالیت‌های سندیکایی با برخوردهای پلیسی و قضایی مواجه شده است. دادگاه انقلاب اسلامی تهران در سال ۱۳۸۹ رضا شهابی را به ۶ سال حبس و پنج سال محرومیت از فعالیت‌های سندیکایی محکوم کرد. او در ۲۲ خرداد ۸۹ بازداشت و زندانی شد، و ۱۹ ماه از دوران حبسش را در سلول انفرادی گذراند. شهابی پس از اعتصاب غذایی ۵۰ روزه، نهایتاً ۲۲ اسفند ۹۶ از زندان اوین آزاد شد.

با وجود این فشارهای امنیتی، مقاومت صنفی کارگران و حقوق‌بگیران همچنان ادامه دارد. چهارم تیر، ۶۵۰۰ معلم و فعال مدنی با امضای نامه‌ای به ادامه بازداشت محمد حبیبی اعتراض کرده و از کمیسیون آموزش مجلس و وزارت آموزش و پرورش خواسته‌اند برای آزادی او اقدام کنند. محمد حبیبی فعال صنفی معلمان و عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان تهران که در تظاهرات ۲۰ اردیبهشت معلمان مقابل سازمان برنامه و بودجه دستگیر شد، هنوز در زندان به سر می‌برد و وضعیت جسمی نامناسبی دارد.

محمود بهشتی لنگرودی از فعالان کانون صنفی معلمان نیز از دوشنبه دوم تیر ماه در اعتراض به نحوه برخورد قوه قضائیه و دادستانی با زندانیان صنفی و سیاسی در زندان اوین دست به اعتصاب غذا زد. او روز دوشنبه ۲۵ تیر ماه به دنبال وخامت وضعیت جسمانی و در پی درخواست تشکل‌های صنفی با نگارش نامه‌ای سرگشاده اعلام کرد که به اعتصاب خود پایان داده است. او که در بهار ۹۵ در پی یک اعتصاب غذای طولانی از زندان آزاد شده بود، از شهریور سال ۹۶ مجدداً زندانی شده است.

اسماعیل عبدی، یکی دیگر از اعضای کانون صنفی معلمان همچنان در زندان به سر می‌برد. علی‌اکبر باغانی، نایب رئیس پیشین کانون صنفی معلمان ایران نیز پس از پایان حکم یک سال زندان خود از ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ در حال گذراندن حکم ۱۰ سال تبعید در شهرستان زابل به سر می‌برد.

تعقیب قضایی و امنیتی فعالان کارگری، وضعیت نامناسب کارگران زندانی، و عدم اجرای مقاله‌نامه‌های بین‌المللی کار درباره آزادی ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، تنها موانع پیش روی کارگران برای انجام فعالیت مستقل سندیکایی نیست. داوود رضوی، در نشست

نمایندگان سندیکاهای فرانسوی در پاریس (در سفر همراه با شهابی و ویسی)، به دو مانع دیگر علاوه بر فشار امنیتی اشاره کرد: «عدم امنیت شغلی کارگران در نتیجه‌ی رواج تقریباً کامل قراردادهای موقت، و نقش مخرب خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار». به گفته رضوی، خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به عنوان نهادهای وابسته به دولت، جلوی فعالیت مستقل کارگری را می‌گیرند و به سازمان جهانی کار گزارش‌های دروغین می‌فرستند.

کودکان کار: بهره‌کشی شرکت‌های پیمانکاری طرف قرارداد شهرداری از کودکان در مراکز بازیافت زباله

۲۸ تیر ماه، احمد فاضلیان رئیس کل دادگستری استان البرز خبر داد که در این استان بیش از ۲۷ هزار کودک تحت پوشش «طرح ساماندهی کودکان کار» قرار گرفته‌اند: طرحی برای جمع‌آوری کودکان کار از سطح خیابان‌ها و دادن سرپناه و خدمات آموزشی به آنها.

این طرح آئین‌نامه مصوب هیئت وزیران در سال ۱۳۸۴ است که اکنون برای اولین بار از سوم تیر ماه در استان البرز به اجرا در آمده است. اگرچه مقرر بوده این طرح زیر نظر سازمان بهزیستی و برخی نهادهای غیردولتی به اجرا درآید، در عمل اما نیروهای پیشرو و مأموران شهرداری مسئولیت اجرای طرح را به عهده دارند.

این طرح به جهت برخورد خشونت‌آمیز مأموران پلیس با کودکان کار حین اجرای آن و نیز به دلیل اخراج کودکان کار افغانستانی از ایران، انتقاد تند فعالان حقوق کودکان و حتی برخی از اعضای شورای شهر تهران را برانگیخته است. جدا از اینکه این طرح باعث جدایی بعضی از کودکان از خانواده‌هایشان شده است.

خبر اجرای آئین‌نامه ساماندهی کودکان کار در استان البرز با انتشار گزارش‌هایی از بهره‌کشی شرکت‌های پیمانکاری طرف قرارداد شهرداری از کودکان در مراکز بازیافت زباله در برخی از استان‌های کشور همزمان شد. شهرداری بدو این گزارش‌ها را تکذیب کرد، اما پس از انتشار عکس کودکانی که با لباس فرم شهرداری و بدون دستکش در استان البرز، تهران، اصفهان، مشهد، شهرهای استان لرستان، مشغول جمع‌آوری و بازیافت زباله بودند، شرکت‌های پیمانکاری را مقصر دانست.



کودکان با لباس فرم شهرداری و بدون دستکش در استان البرز

این در حالی است که به گفته احمدرضا پرنده سرپرست دفتر امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در بررسی وزارت کار در مورد پیمانکاران بازیافت زباله شهرداری تهران، مشخص شد تمامی ۲۶ پیمانکار شهرداری تهران فاقد صلاحیت ایمنی و بهداشت بوده‌اند، و در نتیجه تخلف متوجه شهرداری است.

به گفته فعالان، کودکان زباله‌گرد بیش از ۱۰ ساعت در روز و گاهی حتی ۲۰ ساعت در روز برای پیمانکاران طرف قرارداد شهرداری کار می‌کنند. این کودکان غالباً در شرایط غیراستاندارد و ناسالم و حتی بدون دستکش و با دستمزد بسیار کم کار می‌کنند. در کرج مرکز استان البرز ۸۵ درصد کودکان زباله‌گرد افغانستانی هستند.

ماده ۷۹ قانون کار ایران، کار کودکان زیر ۱۵ سال را منع کرده است. با این حال، ایران کنوانسیون حداقل سن کار سازمان جهانی کار (کنوانسیون شماره ۱۳۸) را امضا نکرده است.^۲ در عین حال، اگرچه قانون کار ایران حداقل سن کار را ۱۵ سال دانسته، ابهامات ماده قانونی باعث شده که کودکان زیر ۱۵ سال نیز به کار گرفته شوند.

قانون کار، استخدام نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله را صرفاً به عنوان کارآموز به رسمیت می‌شناسد، اما آمار رسمی اشتغال در ایران از سن ۱۰ سالگی محاسبه می‌شود.

اگرچه آمار دقیقی از کودکان کار در ایران وجود ندارد، اما مشاهدات حاکی از افزایش شمار آنهاست.

مقامات و مسئولان حکومتی تعداد کودکان کار را دو میلیون نفر تخمین می‌زنند. اما فعالان حقوق کودکان از وجود ۵ تا ۷ میلیون کودک کار در ایران خبر می‌دهند که ۵۰ درصد آنها کودکان مهاجر، به ویژه از کشور افغانستان هستند.^۳

به گفته مقام‌های دولتی در سازمان بهزیستی، ۲۰ هزار کودک کار در تهران وجود دارد که بیش از ۷۰ درصد آنها افغانستانی هستند. براساس پیمایشی که سازمان بهزیستی استان تهران در سال ۱۳۹۶ انجام داده، میانگین سنی ورود به کار «کودکان» در پایتخت دو سالگی است.

اخیراً یک پژوهش میدانی جدید روی یک جامعه آماری ۷۵ نفره از کودکان کار در ایران برای بررسی وضعیت سلامت روانی آنها انجام شده است. به نقل از هادی شریعتی، فعال حقوق کودکان، این پژوهش میدانی نشان می‌دهد ۵۰ نفر از این ۷۵ کودک کار به خودکشی فکر کرده‌اند و ۱۵ نفرشان نیز در گذشته اقدام به خودکشی کرده‌اند.

۲. ایران در سال ۲۰۰۲ کنوانسیون ۱۹۹۹ بدترین شکل‌های کار کودکان را امضا و تصویب کرده است.
۳. به طور کلی، کارگران افغانستانی به دلیل نداشتن اجازه اقامت و مجوز کار آسیب‌پذیرترین گروه کارگران شاغل در ایران اند.

حوادث کار: هر روز ۶ کارگر برای کار از خانه خارج می‌شوند، اما باز نمی‌گردند

شامگاه یکشنبه ۳ تیر، قاسم حسانی، کارگر ۳۴ ساله کارخانه سیمان مهریز، صاحب دو فرزند، در اثر بروز حادثه در واحد مکانیک آسیاب مواد این کارخانه جان باخت. این تنها یکی از ده‌ها حادثه کاری است که روزانه در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و محیط‌های کاری مختلف ایران رخ می‌دهد و منجر به از کارافتادگی، نقص عضو، بیماری‌های طولانی‌مدت و مرگ کارگران می‌شود.

دوشنبه ۴ تیر، چهار کارگر چاه‌کن که در روستای «چکاب» از توابع فریمان در استان خراسان رضوی مشغول حفر چاه بودند، بر اثر انتشار گاز منوکسید کربن دچار گازگرفتگی شدند و جان خود را از دست دادند.

سه‌شنبه ۵ تیر، یک کارگر در حال کار در ساختمانی در خیابان حسنی ارومیه از ساختمانی ۶ طبقه سقوط کرد و در دم جان داد.

چهارشنبه ۶ تیر، آتش‌سوزی در واحد ۶۰۰ پتروشیمی آبادان تولیدکننده پی.وی.سی جان یک کارگر به نام نادر فرحانی را گرفت و ۱۸ مصدوم بر جای گذاشت.

دوشنبه ۱۱ تیر، پنج کارگر یک کارخانه مقواسازی «بدون مجوز» در روستای محمودآباد پاکدشت در محل کار به دلیل آنچه گازگرفتگی یا برق‌گرفتگی اعلام شد، فوت کردند. همین روز، دو کارگر در آتش‌سوزی کارخانه مواد شیمیایی و تولید رنگ در ۱۸ کیلومتری جاده مخصوص کرج جان خود را از دست دادند.

پنج‌شنبه ۲۱ تیر، یک کارگر قراردادی شرکت برق اداره برق بابل حین انجام کار بالای دکل برق به دلیل برق‌گرفتگی فوت کرد.

جمعه ۲۹ تیر، دو کارگر بر اثر وقوع انفجار در کارخانه تولید محصولات پتروشیمی پویان صنعت خمین کشته شدند و یک کارگر زخمی شد.

این تنها بخش کوچکی از حوادث کار در ماه تیر است.

در بهمن ۱۳۹۶ حسن هاشمی وزیر بهداشت اعلام کرد که سالانه ۲۰۰۰ نفر در اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهند، یعنی بیش از شش نفر در روز. در اردیبهشت ۱۳۹۴، اما حسن هفده‌تن، معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تعداد سالانه قربانیان حوادث کار را دستکم ۹۸۰۰ نفر اعلام کرده بود، یعنی نزدیک به ۲۷ نفر در روز.

این ارقام مؤید ایمن شدن شرایط کار در سه سال گذشته نیست، بلکه نبود آمار دقیق، مؤثق و قابل ارجاع را در سطح ملی نشان می‌دهد. مضاف بر این، آمارهای رسمی صرفاً کارگرانی را دربرمی‌گیرد که مشمول قانون کار و در نتیجه، بنا به ماده ۱۴۸ قانون کار، تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی هستند. حال آنکه بیشترین قربانیان حوادث کار، کارگران فاقد بیمه‌های اجتماعی اند. به عبارت دیگر، حوادث مربوط به کارگران کارگاه‌های زیر ده نفر، واحدهای تولیدی و خدماتی در «مناطق آزاد تجاری»، و کارگران با قراردادهای موسوم به «سفیدامضا» در این آمارها لحاظ نشده است. در ایران، بیش از ۹۰ درصد کارگران با قراردادهای موقت و پیمانی و یا سفیدامضا کار می‌کنند.

علی مظفری، مدیر کل بازرسی کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفته ۹۸ درصد حوادث کاری منجر به فوت، قابل پیشگیری هستند. سقوط از بلندی عامل اول حوادث کار منجر به مرگ در ایران است.

وزارت کار مقصر را کارفرمایانی می‌داند که به وظایف قانونی خود عمل نمی‌کنند و «بر ایمنی کار نظارت ندارند». مطابق قانون اما خود وزارت کار مسئول نظارت بر اجرای مقررات مربوط به ایمنی کار است.

ایمنی و بهداشت کار، یکی از مطالبات اصلی کارگران ایرانی است. یک بند از بیانیه مشترکی که سندیکاهای مستقل کارگری ایران در اول ماه مه امسال منتشر کردند، به همین مسأله اختصاص داشت:

«قراردادهای موقت و سفیدامضای کار، فقدان امنیت شغلی و وجود شرکت‌های پیمانکاری و واسطه‌ای؛ حوادث، بیماری‌ها و سوانح مرگبار ناشی از فقدان ایمنی و بهداشت کار، به ویژه در بخش‌های ترابری، معادن و ساختمان‌سازی، همواره از معضلات و مشکلات توان‌فرسای کارگران در کشور بوده است. ما کارگران ضمن اعتراض به چنین وضعیت ناگواری، خواهان برچیده شدن قراردادهای موقت و سفیدامضا، حذف شرکت‌های پیمانکاری و واسطه‌ای، قرار گرفتن کلیه کارگران شاغل از کارگاه‌های کوچک گرفته تا کارگران مناطق آزاد، تحت پوشش کامل قانون کار و اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی و در یک کلام پایان دادن به شرایط سخت و زجرآور کار در مراکز و محیط‌های کار و تولید هستیم.»